زندگی زیر سقف‌های لرزان مراوه‌تپه

بیش از ۷۰ درصد جمعیت شهرستان مراوه‌تپه در روستاها سکونت دارند اما حدود ۸۰ درصد منازل مسکونی روستایی یعنی بیش از ۸ هزار واحد مسکونی در روستاهای این شهرستان که بیش از ۳۰ هزار نفر در آن سکونت دارند، تخریبی است. به گزارش تسنیم، در دورترین نقطه استان و درست در مجاورت مرز با ترکمنستان، شهرستان مراوه تپه با بیش از ۵۵ هزار نفر جمعیت وجود دارد که طبق اطلاعات سرشماری سال ۹۵ بیش از ۷۰ درصد جمعیت آن در روستاها سکونت دارند. روستاهایی که بسیاری از آنها از امکانات اولیه مانند آب و گاز محروم هستند و حتی مدرسه‌ای برای تحصیل دانش آموزان‌شان و خانه بهداشتی وجود ندارد. در روستاهای این شهرستان همه چیز یک رنگ دارد، رنگ کاهگل! آنچه که در روستاهای مراوه‌تپه به چشم می‌آید خانه‌هایی است که با کاهگل و چوب یا بلوک‌های سیمانی ساخته شده است. مدیر بنیاد مسکن این شهرستان معتقد است اگر از زلزله کرمانشاه درس عبرت نگیریم، مراوه‌تپه عبرت برای کل کشور می‌شود. روستائیانی که به رغم نوسازی و مقاوم‌سازی بیش از ۵۶ هزار واحد مسکونی روستایی در استان سهم شان حدود ۳ هزار واحد مسکونی بوده و بیش از ۸ هزار واحد مسکونی که بیش از ۳۰ هزار نفر در آن سکونت دارند، تخریبی است. شاخص‌های آماری نشان می‌دهد مراوه‌تپه در داشتن خانه‌های تخریبی و بی‌دوام رتبه نخست را در استان دارد. شاید دور بودن از مرکز استان سبب عدم برخورداری شهرستان مرزی مراوه‌تپه با مردمان مرزنشینش از شاخص‌های توسعه، امکانات و خدمات شده باشد اما همانقدر که آبرسانی، گازرسانی و راهسازی برای این روستاها ضروری است نوسازی بافت‌های فرسوده آن‌ها نیز لازم بوده زیرا با جان و مال این مردم سروکار دارد. وضعیتی که این روزها در کرمانشاه ایجاد شده، زنگ خطر را بیش از گذشته به صدا در آورده است هرچند باید دید آیا گوش شنوایی برای شنیدن هشدارها و نیاز مردم روستایی به سرپناهی ایمن وجود دارد یا خیر؟ در این باره با مرتضی صابری، مدیر بنیاد مسکن شهرستان مراوه تپه در خصوص وضعیت نوسازی بافت فرسوده روستاها، اجرای طرح هادی و مشکلاتی که وجود دارد، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

مراوه تپه یکی از وسیع‌ترین شهرستان‌های استان بوده و البته بالاترین میزان جمعیت روستایی را هم داراست، چه تعداد روستا در این شهرستان وجود دارد؟

در این شهرستان ۱۰۵ نقطه جمعیتی وجود دارد که در این بین ۸۷ روستا دارای کد هستند و جمعیت روستایی آن براساس سرشماری سال ۹۵ بالغ بر ۴۷ هزار نفر است. بافت شهرستان روستایی است و بیش از ۷۰ درصد مردم در روستاها سکونت دارند.

حضور کوتاهی در برخی روستاها داشتیم به نظر می‌رسد وضعیت روستاهای مراوه‌تپه در خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده چندان مناسب نیست، آماری از این وضعیت ارائه دهید؟وضعیت مراوه تپه در بخش مسکن روستایی بحرانی است. حدود ۸۰ درصد منازل مسکونی روستایی غیرمقاوم و تخریبی بوده و این وضعیت یک فاجعه است. در جلسه کارگروه مسکن شهرستان هم گفتم اگر از کرمانشاه و خرابی های زلزله عبرت نگیریم، این شهر برای کل کشور تبدیل به عبرت می‌شود. براساس آمار سرشماری سال گذشته ۱۲ هزار و ۳۳۱ واحد مسکونی روستایی در این شهرستان وجود دارد که ۸ هزار و ۳۴۹ واحد آن غیرمقاوم و تخریبی است که جمعیتی بیش از ۳۰ هزار نفر در آن سکونت دارند.

براساس اعلام مسئولان متولی در استان بیش از ۵۶ هزار واحدمسکونی روستایی درحدود یک دهه گذشته نوسازی شده است، چرا مراوه‌تپه وضعیت مناسبی ندارد؟بین سال ۹۰ تا ۹۵ با وجود اینکه تعداد واحدهایی که نوسازی شده افزایش یافته اما تعداد واحدهای تخریبی نیز بیشتر شده است. در سال ۹۰ تعداد واحدهای غیرمقاوم در روستاها ۷ هزار و ۷۲۷ واحد بود که اکنون به ۸ هزار و ۳۴۹ افزایش پیدا کرد. در این سال‌ها ۶۲۲ واحد غیرمقاوم به این آمار اضافه شد که البته علت‌های مختلفی هم دارد.یکی از موارد این است که افرادی که تسهیلات گرفتند یا با سرمایه خود اقدام به نوسازی واحدمسکونی خود کرده‌اند، واحد نوساز را برای میزبانی از مهمان گذاشته‌اند یا اینکه در اختیار فرزندانی که ازدواج کرده‌اند، قرار دادند و خود همچنان در همان واحدهای تخریبی سکونت دارند. البته این مسئله در کل استان وجود دارد و با اینکه بنیاد تعهدات و برنامه‌های خود را عملی کرده اما بازهم تعداد زیادی از واحدهای غیرمقاوم و تخریبی در روستاها وجود دارد.

با آمارهایی که ارائه شد به نظر می‌رسد نوسازی بافت فرسوده روستایی در این شهرستان چندان هم دارای اولویت نباشد؟مراوه‌تپه شرایط متفاوتی نسبت به دیگر مناطق استان دارد و نگاه مردم و مسئولان هم متفاوت است. اولویت‌های دیگری هم در این شهرستان وجود دارد. مردم بسیاری از روستاها مشکل آب دارند و ترجیح می‌دهند ابتدا آب برای آشامیدن داشته باشند و بعد به دنبال نوسازی خانه‌های خود باشند. اعتباراتی هم که به شهرستان اختصاص پیدا می‌کند براساس همان اولویت‌ها توزیع می‌شود. به طور نمونه اعتبارات امسال شهرستان حدود ۴۰ میلیارد تومان است که با وجود مساعدت فرماندار شهرستان سهم بنیاد مسکن تنها ۱۰ درصد و حدود ۴ میلیارد تومان است. وضعیت در بخش مرکزی شهرستان بحرانی است اما در بخش گلیداغ کمی شرایط بهتر است، زیرا بسیاری از روستاهای این بخش در طرح جابه‌جایی بوده و برای همین واحدهای مسکونی زیادی در این سال‌ها ساخته شده است.

مردم گلایه‌های زیادی درباره سخت‌گیری‌هایی که بانک‌ها در زمینه پرداخت تسهیلات نوسازی مسکن می‌کنند، دارند. فکر نمی‌کنید یکی از دلایل بالا بودن تعداد واحدهای فرسوده و تخریبی در روستاها همین مسئله باشد؟

در بهترین شرایط بانک‌ها یک ضامن کارمند، جواز کسب یا دفترچه کشاورزی را برای پرداخت تسهیلات مطرح می‌کنند که همین هم برای مردم روستایی مراوه تپه مشکل‌ساز است. مگر در کل شهرستان مراوه تپه مجموعا چند کارمند وجود دارد که مردم بتوانند ضامن کارمند به بانک معرفی کنند. البته بانک‌ها هم معذوریت‌هایی داشته و حرف‌هایی هم دارند اما معتقدیم بانک‌ها باید پهنه‌بندی داشته باشند.مراوه تپه را باید با شرایط خاص آن ببینند. امروز مردم علاقه‌مند هستند که از این تسهیلات استفاده کنند در حال حاضر حدود ۵۰۰ پرونده فاقد ضامن داریم. هرچند طبق دستورالعمل‌ها و مصوبه هیئت وزیران بانک‌ها موظفند ضمانت زنجیره‌ای را بپذیرند اما این اتفاق در حال حاضر رخ نمی‌دهد، برای همین روند هم با کندی پیش می‌رود. در حال حاضر ۲ هزار و ۷۴۷ واحد مسکونی نتوانسته‌اند پایان کار دریافت کنند. وقتی این اتفاقات رخ نمی‌دهد و مرزنشین حتی خانه‌ای مقاوم در روستا ندارد، ترجیح می‌دهد مرز را ترک کند و برای سکونت به داخل شهر برود. هرچند در شهر مراوه تپه نیز بسترهای لازم برای زندگی این افراد فراهم نیست.

با سیمایی که ارائه شد باید دعا کنیم که حادثه‌ای در این شهرستان رخ ندهد و گرنه فاجعه‌ای بزرگ رخ خواهد داد؟درست است، در این منطقه در سال ۴۹ سابقه وقوع زلزله را داشتیم که خسارت‌هایی برجای گذاشت اما الان با وجود تعداد بالای واحدهای تخریبی و سکونت چند ۱۰ هزار نفر در آنها، همواره این نگرانی وجود دارد که در صورت بروز حادثه با فاجعه انسانی مواجه خواهیم شد.وضعیت اجرای طرح هادی در روستاهای این شهرستان چگونه است؟همانطور که ذکر شد ۸۷ روستای دارای کد در این شهرستان داریم که برای همه آنها طرح هادی روستایی تهیه شده اما تنها در ۲۹ روستا توانستیم کار را آغاز کنیم.در ۱۱ روستا فاز اول و دوم اجرای طرح به پایان رسیده اما برای اتمام طرح در ۱۸ روستای دیگر حدود ۱۴ میلیارد تومان اعتبار نیاز است. گرچه با تخصیص‌هایی که اتفاق می‌افتد نمی‌توان چندان به اتمام طرح‌ها در آینده نزدیک امیدوار بود. میزان تخصیص‌ها در چند سال اخیر حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است.

مهلت ۱۰ روزه استاندار برای تعیین تکلیف راه آهن گرگان – مشهد

استاندار گلستان با یادآوری اینکه راه آهن گرگان – مشهد از مطالبات مردمی و قول های رییس جمهور است، تأکید کرد: این پروژه باید ظرف ۱۰ تا ۱۵ روز آینده تعیین تکلیف شود. به گزارش مهر، سید مناف هاشمی در سی و پنجمین جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی گلستان اظهار کرد: سد نرماب و راه آهن گرگان – مشهد دو پروژه ای است که در خصوص آن کوتاه نمی آییم و باید به زودی تعیین تکلیف شود. وی با تأکید بر اینکه این دو پروژه باید ظرف ۱۰ تا ۱۵ روز آینده توسط دستگاه های اجرایی تعیین تکلیف شوند، گفت: به رغم پیگیری های انجام شده از سوی راه و شهرسازی گلستان اقدام عملی در خصوص راه آهن گرگان – مشهد انجام نشده است و ما باید پاسخگوی مردم و مطالبات شان باشیم. استاندار گلستان یادآور شد: این پروژه جزو مطالبات مردمی بوده و قول رییس جمهور برای اجرای آن داده شده و حتی دکتر روحانی در جلسه به دکتر آخوندی، وزیر راه و شهرسازی پیگیری و اجرای آنرا یادآور شد اما چهار سال انتظارات مردم بی نتیجه مانده است.وی با تأکید بر اینکه این پروژه باید روزانه پیگیری شود تا به نتیجه برسد، افزود: راه آهن گرگان – مشهد به هر طریق (فاینانس، BOT و...) باید اجرایی شود تا حوزه اقتصادی گلستان رونق پیدا کند.هاشمی با بیان اینکه برقی کردن قطار اینچه برون – گرمسار – تهران در مرحله اجرایی قرار گرفته و قرارداد آن با شرکت روسی نهایی شده است، ادامه داد: این دو پروژه (راه آهن و سد نرماب) از پروژه های خیلی مهم استان گلستان است که پروژه های اقتصادی دیگر استان به آن ها وابسته است و اجرای این دو پروژه می تواند در ۳۰ تا ۴۰ پروژه تحرک ایجاد کند.وی متذکر شد: شاید تکمیل پروژه سد نرماب انتفاع اقتصادی برای استان نداشته باشد اما تخلیه دو روستا باید با کمک آب منطقه ای با سرعت بیشتر انجام شود چرا که تعطیلی موقت حداقل دو سال خوابیدن پروژه را به همراه داشته و اشتغال ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر در این منطقه از بین می رود.

بروکراسی مانع سرمایه گذاری است

استاندار گلستان با بیان اینکه برخی از بروکراسی‌های اداری مانع سرمایه گذاری در گلستان است خواستار پیگیری مصوبات کارگروه اقتصاد مقاومتی از سوی مدیران شد. به گزارش مهر، شامگاه شنبه سی و پنجمین جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی گلستان با پیگیری ۱۸ مصوبه جلسه سی و سوم برگزار شد. محور اصلی جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی گلستان رفع موانع سرمایه گذاری و اجرای پروژه های بزرگ و محوری در استان گلستان بود که در این جلسه بدهی نیروگاه علی‌آبادکتول و موانع اجرای طرح توسعه سیکل ترکیبی این نیروگاه، موانع اجرای پروژه گردشگری ساحل بندرگز و طرح گردشگری بندرترکمن و همچنین تله کابین علی آبادکتول مورد بررسی قرار گرفت. بررسی پروژه های محوری و موانع اجرایی آن ها در حوزه گردشگری گلستان هم از دیگر مواردی بود که در این جلسه مورد توجه ویژه قرار گرفت و استاندار گلستان از مدیران دستگاه های اجرایی خواست تا موانع سرمایه گذاری در استان را رفع کنند. استاندار گلستان در این جلسه با تأکید بر اینکه مدیران دستگاه های اجرایی در کارگروه اقتصاد مقاومتی نمایندگان وزارتخانه های خود هستند، اظهار کرد: برخی از بروکراسی‌های اداری موانع سرمایه گذاری در گلستان ایجاد می کنند و باعث می شوند سرمایه گذاری در استان اتفاق نیفتد. سیدمناف هاشمی به بررسی مشکلات اجرای پروژه تله کابین علی‌آباد کتول در جلسه گذشته این ستاد اشاره کرد و گفت: در آن جلسه انجام نشدن مطالعات ژئوتکنیک برای اجرای پروژه از سوی آب منطقه ای گلستان مطرح شد و مقرر شد ظرف دو هفته این مطالعات تحویل این سازمان شود. وی با یادآوری اینکه آب منطقه ای با کلیات اجرای تله کابین در علی آباد موافق است، ادامه داد: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری گلستان باید پیگیری ارائه مطالعات ژئوتکنیک بوده و از سرمایه گذار آن را تحویل گرفته و به آب منطقه ای ارائه دهد. هاشمی با بیان اینکه برای اجرای پروژه تله کابین همه چیز جزء مجوز آب منطقه‌ای استان گلستان حل شده، افزود: نقشه ها باید تهیه و در اختیار آب منطقه ای قرار گیرد و آب منطقه ای نظر نهایی خود را به زودی ارائه دهد. وی متذکر شد: نباید در اجرای پروژه های محوری و مهم استان چالش های جدید ایجاد کنیم بلکه مدیران دستگاه های اجرایی استان به عنوان نماینده وزارتخانه ها در استان پروژه ها را پروژه دستگاه خود بدانند و در رفع موانع آن تلاش کنند.استاندار گلستان به موضوع موانع اجرای پروژه گردشگری ساحل بندرگز اشاره و تصریح کرد: در سه ماهه اخیر ۱۰ جلسه کارشناسی برای رفع مشکلات و معضلات اجرای این پروژه برگزار شده و هم اکنون دیگر مانعی برای اجرای این پروژه از سوی دستگاه های اجرایی وجود ندارد.وی اضافه کرد: محیط زیست هم نظر نهایی خود را در خصوص این پروژه ارائه کرده است و زمین برای تحویل به سرمایه گذار عمانی آماده است.وی به موضوع استفاده از کشتی تفریحی در سواحل خزر در گلستان اشاره و خاطرنشان کرد: سرمایه گذار کشتی را خریداری کرده اما سازمان بنادر در گلستان تاکنون دلایل عدم موافقت با اجرای این پروژه را ارائه نکرده است.هاشمی تاکید کرد: سازمان بنادر باید به صورت کتبی نظر کارشناسی و فنی در خصوص علت عدم به کارگیری کشتی های تفریحی در سواحل گلستان را ارائه دهد.وی با تاکید بر اینکه ارائه ندادن دلایل تخلف است، یادآور شد: اگر این پروژه در گلستان اجرا نشود در استان های همجوار اجرایی می شود.وی با بیان اینکه موافقت هایی برای ساخت دو بندر در سال های گذشته در گلستان انجام شده، افزود: بزرگی سازمان های دولتی سبب شده که بخش خصوصی نتواند فعالیتش را به خوبی پیش ببرد و مجوزات لازم را کسب کند. استاندار گلستان همچنین با یادآوری اینکه پروژه هایی مانند پتروشیمی گلستان و موج آبی گنبد با مشارکت مردم آغاز شده و سال هاست مسکوت مانده اند، گفت: مطالعات برای حل موانع اجرایی آن ها آغاز شده تا بتوانیم به مطالبات به حق مردم پاسخ بدهیم. وی ادامه داد: موضوع عدم استقرار پروژه ها در حریم کمی و کیفی ۷۵۰ متری سواحل و تالاب های استان از دیگر موضوعاتی است که باید ظرف یکماه توسط ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی پیگیری شود تا اگر حل آن در حوزه استان نباشد موضوع گلستان در ستاد مرکزی مطرح و برای حل آن چاره اندیشی شود.

خبر

روحانی در گذشت شهادت گونه خدمه نفتکش کشورمان را تسلیت گفت

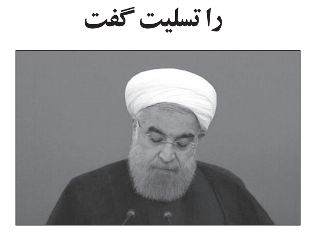

رییس جمهور در پیامی درگذشت شهادت گونه تمامی خدمه و پرسنل کشتی نفتکش کشورمان در سواحل شرقی چین را به خانواده های داغدیده آنان تسلیت گفت.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام حسن روحانی در پیامی درگذشت شهادت گونه تمامی خدمه و پرسنل کشتی نفتکش کشورمان در سواحل شرقی چین را به خانواده های داغدیده آنان تسلیت گفت و تاکید کرد: هم اکنون لازم است اولویت اصلی بر شناسایی و تعیین هویت جان‌باختگان و کاهش آلام خانواده های این عزیزان متمرکز باشد.

حجت‌الاسلام حسن روحانی همچنین از همه دستگاه های ذیربط از جمله وزارتخانه های راه و شهرسازی، نفت و امور خارجه می خواهم با انجام اقدامات کارشناسی، علت وقوع این سانحهٔ تأسف بار را با دقت بررسی و پیگیری قانونی لازم را برای پیشگیری از حوادث مشابه و نیز احقاق حقوق ملت ایران و خانواده های آسیب دیده به عمل آورند.

متن پیام رییس جمهور به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

وقوع سانحه ناگوار و دلخراش آتش سوزی برای کشتی نفتکش کشورمان در سواحل شرقی چین که موجب درگذشت شهادت گونه تمامی خدمه و پرسنل زحمتکش آن شد، قلوب آحاد ملت ایران را محزون کرد.

اینجانب با ابراز همدردی، این ضایعه را به ملت بزرگ ایران به ویژه خانواده های داغدیده از صمیم قلب تسلیت می گویم و برای آن جانباختگان مظلوم که تلاشگران عرصه اقتدار ملی و پیشگامان اقتصاد کشور هستند، علو درجات و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسألت دارم.هم اکنون لازم است اولویت اصلی بر شناسایی و تعیین هویت جان‌باختگان و کاهش آلام خانواده های این عزیزان متمرکز باشد. در عین حال از همه دستگاه های ذیربط از جمله وزارتخانه های راه و شهرسازی، نفت و امور خارجه می خواهم با انجام اقدامات کارشناسی، علت وقوع این سانحهٔ تأسف بار را با دقت بررسی و پیگیری قانونی لازم را برای پیشگیری از حوادث مشابه و نیز احقاق حقوق ملت ایران و خانواده های آسیب دیده به عمل آورند.

جانباختن ماهانه یک گلستانی براثر برق گرفتگی

اداره کل پزشکی قانونی گلستان از جانباختن هشت گلستانی براثر برق گرفتگی از ابتدای سال جاری تا پایان آبان ماه خبر داد و اعلام کرد که این آمار نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. به گزارش ایرنا و براساس اعلام این اداره کل در هشت ماه سال گذشته هفت نفر براثر برق گرفتگی جان باخته اند که امسال افزایش ۱۴٫۳ درصدی داشته است. روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی گلستان گزارش داد که همه جانباختگان امسال حوادث ناشی از برق‌گرفتگی در استان مرد بودند. این آمارها براساس تعداد پرونده های ارجاعی به پزشکی قانونی و تعیین علت فوت در این مدت بوده است. پزشکی قانونی گلستان همچنین اعلام کرد: در این مدت تعداد ۱۱ نفر به دلیل غرق شدگی در استان جان خود را از دست دادند، این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که ۱۴ نفر بودند ۲۱٫۴ درصد کاهش دارد. در هشت ماهه سال ۹۶ از کل تلفات غرق‌شدگی در استان ۱۰ نفر مرد و یک زن بود، این رقم در مدت مشابه سال قبل شامل ۱۲ مرد و ۲ زن بوده است.

درگیری مسلحانه در مجموعه سوارکاری گنبد

در حاشیه هفته هفدهم رقابت‌های کورس اسبدوانی پاییزه گنبد درگیری مسلحانه در مجموعه سوارکاری این شهرستان رخ داد. به گزارش مهر، برخی منابع محلی و رسانه‌ها از درگیری مسلحانه در حاشیه هفته هفدهم رقابت‌های کورس اسبدوانی پاییزه گنبد که در مجموعه سوارکاری این شهرستان برگزار شد، خبر دادند. سرهنگ محمود علیفر فرمانده انتظامی شهرستان گنبد کاووس ضمن تائید این خبر، ارائه اطلاعات تکمیلی آن را به زمان دیگری موکول کرد.

خبر

ضرورت تقویت سرمایه های اجتماعی گلستان

نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان بر تقویت سرمایه های اجتماعی به منظور توسعه استان تاکید کرد و گفت: تلاش شود که مشارکت در این حوزه بیشتر شود. آیت الله سید کاظم نورمفیدی در نشست اعضای شورای فرهنگ عمومی استان اظهار کرد: با سرمایه گذاری زیربنایی در این حوزه به طور قطع برای توسعه استان نتیجه خواهیم گرفت. امام جمعه گرگان گفت: اجرای طرح های مختلف در حوزه روستایی، جشنواره اقوام، ثبت آثار تاریخی و صنایع دستی اقوام به عنوان نمونه می تواند در افزایش همدلی و تقویت سرمایه اجتماعی استان موثر باشد. نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری همچنین اعتماد مردم به دولت و نظام و وحدت مردم را از مولفه های سرمایه اجتماعی برشمرد و افزود: مردم این استان اتحاد دارند و باید این سرمایه اجتماعی را باور داشته و در تقویت آن تلاش دو چندان کنیم. آیت الله نورمفیدی؛ صداقت، احترام و همراه بودن را از جمله راهکارهای تداوم اتحاد برشمرد و گفت: همراهی این سه مولفه به کاهش مشکلات در آینده کمک خواهد کرد. امام جمعه گرگان با بیان اینکه از هر گونه اقدامی که منجر به شکاف بین اقوام می شود باید جلوگیری شود، تاکید کرد: علمای استان در جهت تقویت وحدت تلاش کنند. نماینده گلستان در مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه برای سرمایه اجتماعی باید تعریف درستی ارائه و معنای آن درک شود، افزود: اقتصاد مقاومتی یک مساله ملی و کشوری است و اقدامات در راستای تحقق آن در گلستان باید در زمینه کشاورزی به عنوان پایه اقتصاد استان اجرایی شود.امام جمعه گرگان ادامه داد: باید در این مسیرعوامل و موانع توسعه و پیشرفت را شناسایی کنیم و در میدان عمل پیاده سازی کنیم تا سرمایه اجتماعی تحقق پیدا کند. استاندار گلستان نیز با بیان اینکه سرمایه اجتماعی نقش بسزایی در شتاب بخشیدن به توسعه دارد، گفت: تقویت مولفه های سرمایه اجتماعی در استان باید بیش از گذشته و با برنامه پیگیری شود. سید مناف هاشمی افزود: در تقویت سرمایه اجتماعی مشارکت مردم بسیار تاثیرگذار بوده و در این استان وحدت اقوام که زبانزد و الگوی کشوری بشمار می رود، حاصل وجود و تلاش نماینده ولی فقیه در گلستان است. وی بر سرمایه گذاری در طرح های پژوهشی در راستای تقویت سرمایه اجتماعی استان تاکید کرد و گفت: بهره گیری از تفکر نخبگان یکی از راهکارهای موثر در توسعه این بخش است.

اعتبار دیوار دفاعی گرگان تخصیص نیافت

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان با بیان اینکه دیوار دفاعی گرگان دارای مصوبه اقتصاد مقاومتی کشور است از تخصیص نیافتن اعتبار به آن انتقاد کرد. به گزارش مهر، ابراهیم کریمی اظهار کرد: به رغم اینکه دیوار دفاعی گرگان مصوبه اقتصاد مقاومتی کشور را داراست اما تاکنون اعتباری به آن تخصیص نیافته است. وی با بیان اینکه تاکنون پیگیری نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی هم برای تخصیص اعتبار به این پروژه بی نتیجه مانده است، تاکید کرد: قرار نیست ۲۰۰ کیلومتر دیوار دفاعی گرگان در یک مرحله احیاء شود بلکه به دنبال تکمیل پرونده ثبت جهانی آن هستیم. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گلستان از آغاز مجدد کاوش در شهر باستانی جرجان پس از هفت سال خبر داد و گفت: موزه بزرگ گلستان در داخل پارک داریوش گنبدکاووس اجرایی می شود و قرار است به هر میزان که گلستان به این پروژه اعتبار اختصاص دهد سازمان میراث هم به آن اعتبار تخصیص دهد. وی با یادآوری اینکه هم اکنون گلستان هشت موزه دارد، افزود: راه اندازی یک موزه در هر شهرستان در دستور کار قرار دارد و امیدواریم بتوانیم آنرا اجرایی کنیم. کریمی همچنین با یادآوری اینکه ۱۱ دوره از جشنواره بین المللی فرهنگ اقوام در گلستان برگزار شده است، تصریح کرد: اجرای این جشنواره به حدود ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز دارد و اگر این جشنواره جزو برنامه های استان است باید ردیف اعتباری ویژه ای به آن اختصاص یابد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده دارای پلاک ۱۱۸۵۲ فرعی از ۳ - اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۱۷۴٫۲۰ مترمربع آقای رضا کربلائی پور فرزند غلام ساعت ۱۰ صبح روز یک شنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ در محل وقوع ملک واقع در گرگان - کاشانی ۲۸ - آبشار ۱۸ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان - ۱۰۲۵ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

به استناد ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف، تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده دارای پلاک ۱۱۸۳۷ فرعی از ۳ - اصلی بخش ۳ ثبت گرگان واقع در اراضی اوزینه به مساحت ۹۷٫۹۳ مترمربع آقای مهدی اللهی فرزند رضا ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخه ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ در محل وقوع ملک واقع در گرگان - شهرک سپاه - چناران ۲۸ - کدپستی ۴۹۱۵۸۵۹۱۶۷ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان - ۱۱۲۲ م الف

آگهی ابلاغ اجرائیه

احتراما بدینوسیله به آقای قربانعلی شموشک علیا فرزند رضا به شماره شناسنامه: ۲۰۴ و شماره ملی ۲۱۲۱۲۹۴۷۸۳ به نشانی گرگان - کوی علیمحمدی - علیمحمدی ۱۲ مجتمع کورش طبقه سوم ابلاغ می گردد که بانک کارافرین باستناد قرارداد بانکی ۰۰۱۶۰۷۹۴۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۵ با موضوع لازم الاجرا ۴۲۷/۵۹۵/۴۵۴ ریال که از تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۵ تا تسویه کامل روزانه مبلغ ۲۶۸/۹۵۶ ریال به بدهی اضافه می گردد بر علیه شما و آقای محمد نادری ملکشاه فرزند احمدجان و آقای حمیدرضا دهباشی فرزند حبیب اله که به علت عدم پرداخت بدهی مبادرت به صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه ۹۶۰۰۸۵۱ در این اجرا تشکیل با توجه به گزارش مامور در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید لذا با توجه به درخواست بستانکار و طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی - معاون ثبت گرگان - ۱۰۴۰ م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۵۷/۲۵ مترمربع پلاک ۱۱۸۵۱ فرعی از ۳ - اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی آقای عباسعلی میقانی مرزنکلاته فرزند موسی در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۶/۱۱/۲۱ در محل وقوع ملک واقع در گرگان - کوی طبیعت - کوچه طبیعت چهارم بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می¬تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان - ۱۱۲۱ م الف

نسخه اینترنتی روزنامه گلشن مهر
www.golshanemehr.ir

انگاره زن در پرتره‌های زنان

نگاه شوکا حسینی بر نمایشگاه آثار هونیا عباسی

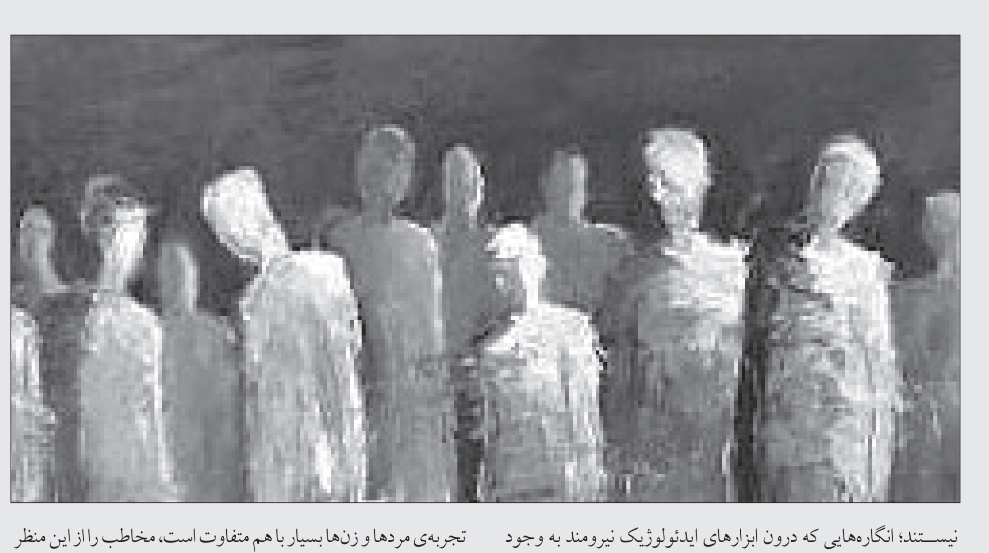

هونیا عباسی اگر چه عنوان «سایلنت» را بر نمایشگاه آثار خود گذارده است، اما آنچه که در نگاه اول به مخاطب منتقل می‌کند، پرتره‌هایی از زنان است. زنانی که بارزترین ویژگی آنها در «نگریستن» و گفتمان نگاه، متمرکز شده است. در این مجال به تعریف و تبیین چند مفهوم پرداخته می‌شود تا از دریچه‌ی آن بتوان در این آثار تدقیق کرد. «نگریستن» اساساً کنشی تخاطبی است یعنی عملی است که بین حداقل دو شخص اتفاق می‌افتد که به صورت رفت و برگشت بین آن دو عمل می‌کند. در این حرکت هر کدام از طرفین دائماً بین جایگاه «گیرنده» و «فرستنده» تغییر موقعیت می‌دهند؛ گیرنده یا نگاه‌کننده، همانی‌ست که همزمان نگاه‌شونده نیز می‌شود. پر واضح است که این کنش فقط در ساحت هم‌سطح بودن این دو، اتفاق می‌افتد نه در ساحت تفاوت طبقاتی چرا که همزمان با عمل نگریستن، فرامتن‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در حال عمل کردن است. با فرض اینکه دو طرف در موقعیت نسبتاً یکسانی قرار داشته باشند، آنگاه می‌توانیم به توازن عمل نگریستن بپردازیم توازنی که در لایه‌های خود، سرانجام به گفتگو می‌انجامد. در اینجا باید اشاره‌ای به مقوله‌ی «ارتباط» و تاثیر نگاه کردن در آن کرد که در نشانه‌شناسی گفتگو، از آن با عنوان «زبان بدن» نام می‌برند. فرامتن گفتگوهای رو در رویی، استفاده از زبان بدن است که «نگاه کردن» جزیی از این زبان به حساب می‌آید که همزمان با عمل زبان، در انتقال و عدم انتقال زبان و پیام، دخالت می‌کند. در این نمایشگاه، عمل نگریستن بین شش نفر و یا گروه اتفاق می‌افتد: ۱-بین سوژه و مخاطب سوژه‌ی در قاب که ما نمی‌دانیم کیست. ۲- بین نقاش و سوژه ۳-سوژه و مردهای پشت سرش ۴-سوژه و مخاطب زن ۵-سوژه و مخاطب مرد ۶-سوژه و گفتمان‌های غالب. در گروه اول سوژه همان زنی است که پرتراش نقاشی شده و با مخاطبانی در عمل نگریستن قرار دارد که مخاطب بیرون از نقاشی، نمی‌داند که آنها کیستند اما از طرز نگاه و عمل دست‌های پرتره می‌تواند متوجه شود که با آنها در یک موقعیت هم‌سطح قرار نگرفته و نگاهش در حقیقت بازتاباننده‌ی نگاه سرکوب شده است و به دیگر زبان باید گفت که عمل نگاه کردن در اینجا به سمت همراهی گفتمان «سکوت» پیش می‌رود. در گروه دوم که بین سوژه و نقاش اتفاق می‌افتد عمل نگریستن، به بازتولید کلیشه‌های رایج از انگاره‌های زن بودن انجامیده است چرا که در این آثار نقاش هیچ مداخله‌ای در فرودستی زن از نگاه رایج جامعه به زن نمی‌کند. در اولین مورد از این بازتولید باید به انتخاب «زن‌هایی» که عباسی برای کشیدن پرتره‌اشان دست یازیده، اشاره کرد. او تمامی پرتره‌های خود را بر مبنای «زن زیبا» یعنی همان انتظار سنتی و کلیشه‌ای که گفتمان غالب مردسالار ترویج می‌کند، برگزیده است. در نقاشی‌های او زنان با چهره‌هایی متوسط از منظر «بازار جنسی و جنسیتی» راه نمی‌یابند. او چهره‌هایی را انتخاب می‌کند که ویژگی‌های لازم برای جلب و جذب مردها را داشته باشند و در ضمن بتوانند الگویی برای زن‌های دیگر برای بدست آوردن مقبولیت، باشند. از این رو، عباسی از منظر نقد فمینیستی به فربه کردن نگاه مردها به زن‌ها یاری می‌رساند. به هر حال این تمرکز بر انگاره‌های زنانه که از طریق ساخت‌های سرمایه‌داری بیشترین نفوذ را در زنان داشته، به‌طور بالقوه مخرب است و فاعل مونث را به وضعیت مفعول سوق می‌دهد؛ چرا که انگاره‌های ایده‌آلی را به وجود می‌آورد که غالبا مطابق با واقعیت نیستند؛ انگاره‌هایی که درون ابزارهای ایدئولوژیک نیرومند به وجود می‌آید که اگر «خوش» قیافگی نداشته باشند کم ارزش هستند و اگر بسیار وابسته به این انگاره و تصویر نیز باشند، باز کم ارزش هستند و به عنوان ظاهربین، بی‌مغز اما دلفریب و نادان‌های خودبین شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر، تصویر و انگاره یکی از جایگاه‌هایی است که در آن می‌توان قید مضاعف زنانگی مناسب را در این آثار به شدت دید. در نظر ماری ولستون کرافت، شیوع عرضه‌های نادرست از زنان به‌عنوان نجیب، فرمانبردار، کنش‌پذیر و زیبا، عرضه‌ای شریرانه است زیرا چنان ارائه‌هایی تاثیرات واقعی در ساختن زندگی‌های زنان واقعی دارند. در گروه سوم که به نگریستن، بین سوژه و مردهای پشت سرش عمل می‌کند، می‌توان به دو مساله اشاره کرد؛ اول اینکه آیا عمل نگریستن در جهت گفتگو با آنها صورت می‌گیرد و اگر چه ظاهراً به آنها نگاه نمی‌کند آیا عملاً در امتداد عمل گفتگو با آنهاست و دیگر اینکه آیا عمل گفتگو با آنها و شخص و موضوع ثالث دیگری در حال عمل است؟پاسخ به این پرسش‌ها دشوار است چرا که نشانه‌هایی در تابلو تعبیه نشده که بتوان از طریق این نشانه‌ها به تحلیل بهتر وضعیت سوژه از این منظر پرداخت. در گروه چهارم نگریستن بین سوژه و مخاطب زن صورت می‌گیرد که یکی از عرصه‌های مهم در رویارویی با این آثار است چرا که انگاره‌ها و تصویرها پیام‌های ساده‌ای نیستند که بین پرده نقاشی یا متن و بیننده یا خواننده منتقل می‌شوند بلکه پیام‌هایی چند ساحتی هستند که در افرادی به گفتگو و در افرادی نیز به انفعال و خیرگی می‌انجامد. از آنجایی که تجربه‌ی مردها و زن‌ها بسیار با هم متفاوت است، مخاطب را از این منظر به دو گروه جنسی تقسیم کرده‌ایم. زن‌ها در تاریخ مردسالار و جنسیت‌زده به صورت انفعالی ظاهر شده‌اند. آنها به خاطر تسلط و سرکوب گفتمان مردسالار جامعه‌ی فرادستی، انگاره‌هایی از خود را پرورش داده‌اند که به آنها تجویز و تحمیل شده است. لورا والوی در کتاب لذت بصری و سینمای روایی می‌نویسد در جهانی که بر اساس عدم تعادل جنسی سازمان یافته است، لذت در نگریستن بین کنشگر / نرینه و کنش‌پذیر / مادینه به دو نیم شده است. حکم خیره نگریستن مردانه، ذهنیت و نیروی مخیله‌اش را بر شکل زنانه به طور معمول باز می‌تاباند. زنان همواره در نقش خودنمای سنتی نگریسته شده‌اند و با ظهورشان رمزی برای تماس شهوانی و دیداری نیرومند شده‌اند؛ چنانکه می‌توان گفت آنان بر « نگریسته شدگی » دلالت دارند. زن، که به عنوان موضوع جنسی نمایش داده شده، موضوع تکراری نمایش شهوانی است: از پوسترهای هوس‌انگیز تا استریپ‌تیز، زن نگاه را تسخیر می‌کند و با آن بازی می‌کند و به کام مردانه معنی می‌بخشد. زن پاکرو و پاکدین باید و کدبانو نیز همان انگاره‌ایست که به زن‌ها در طول تاریخ تحمیل شده‌است و زن‌ها از این دریچه شروع به نگریستن خود کرده‌اند. زن‌ها برای اینکه بتوانند به تصویری واقعی از خود دست یابند باید ابتدا به ویرایش انگاره‌ی خود بپردازند و با عدول از کلیشه‌های رایج، به فهم واقعی از خود برسند. از منظر تاریخی، زن پرتره‌ی تحریف‌شده‌ای از خود را در حافظه‌ی خود داشته است که از گفتمان مردانه آب می‌خورده و تبعیت از این انگاره و بازتولید این پرتره به اقتدار و تسلط گفتمان مردانه انجامیده است. اگر زن‌ها بتوانند از فراموشی «انگاره‌ی» خود خلاص شوند، می‌توانند به چهره‌ی واقعی خویش نزدیک شوند. با کمی اغراق می‌توان گفت که زن‌ها دچار اختلال تاریخی ادراک‌پریشی چهره‌ای هستند یعنی به دلیل تسلط و تجویزی که گفته شد، آنها نمی‌توانند به راحتی چهره‌ی خود و زن‌های دیگر را به یاد آورند. آنها یاد گرفته‌اند نشانه‌هایی از چهره‌های زن‌ها را به یاد آورند که با علامت «داشتن» و یا «نداشتن» در جهت تامین گفتمان مردانه باشد. از سویی، همین تجربه‌های تاریخی خطای پارالکسی را نیز به وجود آورده یعنی آنچه که زن‌ها در واقعیت هستند با آنچه که در ذهن خود از خود متصور می‌شوند، تفاوت دارد. این خطای پارالکسی به مرور موجب عدم انطباق امر واقعی با امر خیالی می‌شود و انگاره‌ها و به تبع آن پرتره‌های زن‌ها از خود را، مخدوش می‌کند. از دیگر سو، طریقه‌ای که زن نگاه می‌کند ممکن است به معنای توصیفی از سیمای خودش باشد و یا توصیفی از عمل نگاه کردنش به دیگران؛ این دو نوع نگاه کردن حتی ممکن است به وسیله‌ی یکدیگر اصلاح شوند. در واقع، تصاویری که کسی به آنها نگاه می‌کند، هم زمان هم می‌توانند دعوتی به سوی یا اخطاری در برابر طریقه‌ی خاصی از نگاه کردن باشند و هم مجالی برای نگاهی متفاوت، نقد یا رد کردن آن در ترویج و گسترش از طریقه‌ی دیگری از نگاه کردن. گروه چهارم سوژه و مخاطب مرد را تشکیل می‌دهد که عباسی در این مورد دست و دلبازی به خرج داده و پرتره‌ها را در جهت خواست و میل مردانه انتخاب کرده است و «زیبایی» آشکار سوژه‌ها به مردها مجال خیره شدن را می‌دهد. اگر چه ذکر شد که سوژه‌ها در همسویی با گفتمان سکوت از دست و زبان بدن نیز بهره برده‌اند اما اغوای حرکات دست آنها، بیشتر در جهت ارضاء میل در سطح بصری است و این رفتار به جای آنکه کنش‌مند عمل کند در نهایت منفعلانه و در ساحت مفعول بودن زن‌ها عمل می‌کند. خیرگی مخاطب مرد به این پرتره‌ها به بازسازی گفتمان فرادستی می‌انجامد؛ وضعیتی که در آن زن، همان ابژه‌ی قابل نگریستن است و می‌توان به آن خیره شد و حظ خویش را از وجود و هستی او برد بدون در نظر گرفتن خواست او و یا شنیدن حرف‌هایش. و اما وضعیت آخر که شامل گروه سوژه و گفتمان‌های غالب می‌شود. در این بخش باید به تاثیر گفتمان‌های غالب و طبیعی‌سازی‌شده اشاره کرد که چگونه سوژه، نقاش، مخاطب زن و مرد را محاط کرده و به شکلی طبیعی در حال عمل است. گفتمان مردسالار، در بستر گفتمان فرهنگی، تاریخی، مذهبی، عرفی به تحریف واقعی چهره زنان و خود انگاره‌هایشان دست می‌زند و این عمل طوری انجام می‌شود که تا زمانی که این گروه‌ها از آن بیرون نیایند نمی‌توانند آنرا مشاهده و مطالعه کنند. البته نباید این طور پنداشت که تنها قربانی‌های این گفتمان‌های غالب زن‌ها هستند بلکه مردها نیز به واسطه‌ی تحمیلی که در طول تاریخ این گفتمان‌ها، در برخوردشان با زن انجام داده‌اند مورد ستم قرار گرفته‌اند. چرا که در وضعیتی که کنش‌ها آزادانه و بدون تجویز دیگری‌های بزرگ صورت نگیرد، تفاوت چندانی بین گروه مورد ستم قرار گرفته و ستم‌کننده نخواهد بود چون در نهایت هر دو گروه قربانی قدرت گفتمان‌ها خواهند بود.

داستان کوتاه

سحر

مهدی شاطرحسینی/شوپراد

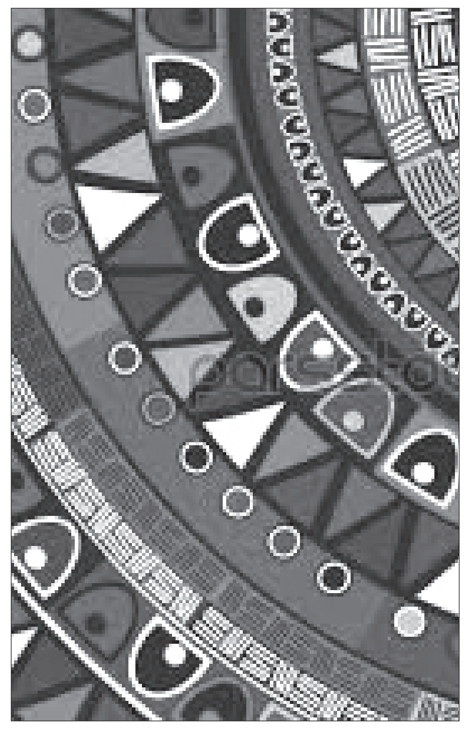

هیچ وقت سحر جمعه ی سال یک هزار و سیصد و نود رو نمیتوانم از خاطرم پاک کنم. دخترم آترینا تازه به دنیا آمده بود و مانند اکثر نوزادان شب ها راحت نمیخوابید، جوریکه من باید حداقل یکی دو ساعتی اونو در آغوش میگرفتم، راه میبردم و لالایی معروف بختیاری را برایش میخواندم تا مگر اینکه بخوابد، البته معمولا وقتی هم میخوابید تا میخواستم او را داخل گهواره اش بگذارم با کوچکترین تکانی بیدار میشد و مجددا روز از نو روزی از نو. اون شب هم دقیقا بر همین منوال گذشت و شاید هم کمی بدتر چون یادم هست به هزار سختی و مشکل بالاخره توانستم آترینا را ساعت دو شب بخوابانم، سپس خودم هم داخل رختخواب شدم و خوابیدم. هنوز دو ساعت از خوابم نگذشته بود که همسرم مرضیه مرا از خواب بیدار کرد و گفت:

_میری برایم کمی حلیم بخری؟

من با اینکه خیلی خسته بودم و خوابم می آمد اما به هر زحمتی بود از جایم برخاستم، لباس هایم را عوض کردم و از خانه به سمت مغازه ی حلیم فروشی رفتم. خانه ی ما در یکی از کوچه های فرعی خیابان ویلا بود که این کوچه منتهی به خیابان سپهبد قرنی میشد و حلیم فروشی دقیقا آنطرف خیابان نزدیک پارک هنرمندان قرار داشت. آسمان هنوز روشن نشده بود و سکوت زیبایی در خیابان حکمفرمایی میکرد، طوریکه صدای خمیازه های عمیق من با صدای سکوت خیابان یک جور هارمونی ایجاد کرده بود و زمانی هم که من خمیازه نمیکشیدم سکوت خیابان سمفونی زیبای سکوت میشد که هر رهگذری را به رقص وا می داشت. همانطور که دهانم برای خمیازه کشیدن باز بود با صورتی پُف کرده و چشمانی نیمه باز در خیابان قدم بر میداشتم تا نزدیک پارک هنرمندان شدم. انتظار داشتم آن موقع صبح آنجا هم سکوت زیبایی حکم فرما باشد و من بتوانم صدای نفس کشیدن درختان را هم بشنوم یا اینکه نهایت یکی دوتا ورزشکار مشغول دویدن باشند و یکی دو نفر مردِ خانواده دوست هم مثل من در مغازه ی حلیم فروشی مشغول حلیم خریدن، اما در کمال تعجب دیدم خیلِ عظیمی از مردم اطراف پارک هنرمندان جمع شده بودند به طوریکه کل خیابان ایرانشهر و دو کوچه ی شمالی و جنوبی پارک هم از هجوم بی امان مردم و ماشین ها و موتورها بسته شده بود. من ابتدا فکر کردم هنوز خواب هستم و اینها را خواب میبینم برای همین چشمان خود را به روی هم فشردم و باز و بسته کردم تا از خواب بپرم و همان چند نفری که باید در حالت عادی باشند را در خیابان ببینم اما من خواب نبودم و همه اینها عین واقعیت بود. حدود ساعت چهار صبح جمعه به کل حوالی پارک هنرمندان از هجوم مردم بسته شده بود!

همینطور که هاج و واج به اطراف و مردم نگاه میکردم توی ذهن خود دنبال دلیل آمدن مردم را جستجو میکردم که ناگهان دو مرد جوان با موهای کوتاه و شلوار شش جیب و کتونی زرد رنگ به سمت من دویدن و یکی از آنها سریعا تا نوک درخت چنار کنار من بالا رفت، آن یکی هم با دست به قسمت بالای خیابان اشاره کرد و گفت:_از اون بالا فیلم بیگیر که قشنگ جون دادنشو ببینیم!منم با اشاره ی دست جوانک به بالای خیابان نگاه کردم و تازه متوجه دلیل جمع شدن مردم شدم. یک جرثقیل بزرگ در وسط کوچه ی بالایی پارک که توسط نیروهای انتظامی و داربست های فلزی محاصره شده بود. جرثقیلی با یک طناب دار که از نوکش آویزان بود برای اعدام یک مرد. مدام به جمعیت اضافه میشد و من تا به حال پارک هنرمندان را به این شلوغی ندیده بودم حتی زمانیکه جشنواره ی خیابانی تاتر یا موسیقی هم آنجا برگزار میشد باز هم پارک هنرمندان به این شلوغی نبود. چیزی که خیلی جالب بود اینکه از همه سن و جنس و تیپی توی اون جمعیت بودن مثلا توی جمعیت چشمم به پیرزنی افتاد که با دو پسر بچه حدودا ۶ ساله به سمت محل اعدام میرفت. پسر بچه ها خواب آلود بودند و همینطور که پاهای خود را لخ لخ کشان به جلو می راندند با تعجب به جمعیت نگاه میکردند. مادر بزرگشان هم مدام جوریکه آنها بهتر متوجه بشوند به این جمله تاکید میکرد که:

_هرکس کار بد بکنه سزاش همینه! سزای آدم بد همینه!

من که تا حالا اعدام کسی را ندیده بودم خیلی کنجکاو شدم تا جلوتر بروم و ببینم که چه کسی را میخواهند اعدام کنند و از همه مهمتر حس کنجکاوی خود را ارضا کنم و بفهمم که این مرد چه کار بدی انجام داده که مستحق اعدام در ملاء عام شده است. برای همین به سمت داربستها رفتم اما آنقدر جمعیت زیاد بود که کسی نمیتوانست به مسوولین انتظامی نزدیک شود و از آنها دلیل اجرای حکم را بپرسد چون حداقل دور تا دور داربست را ده ردیف از مردم گرفته بودن و رد شدن از این همه آدم در توان من نبود برای همین از مردی حدودا چهل ساله که تیشرتش را درون شلوار جینش کرده بود پرسیدم:

_آقا شما میدونی این بنده خدارو واسه چی میخوان اعدام کنن؟

_نه! فقط دیشب دیدم که اینجارو داربست و پلاکارد زدن گفتم صبح بیام تماشا کنم...اما احتمالا یه غلطی کرده که میخوان اعدامش کنن دیگه وگرنه چرا کسی من و شما رو اعدام نمیکنه!

_نمیدونم والا...چه عرض کنم!

پیرمردی که کنار ما ایستاده بود و یک کلاه کاپ سفید به سر و یک روزنامه ی تا شده در دست داشت، من نمیدانم اون موقع صبح روزنامه را از کجا گیر آورده بود، وقتی صحبتهای ما را شنید رو کرد به من و گفت:

_تو به این کارا چیکار داری؟! حوصله داریا جوون! وایسا اعدامو نگاه کن، همین!

همان لحظه اعدامی را آوردند، پسر جوانی حدودا بیست ساله، چهارشانه با بازوهای درشت و قدی بلند بود با صورتی رنگ پریده از ترس که مدام به طناب دار نگاه میکرد. در آن لحظه هجوم جمعیت بیشتر شد و همه برای دیدن چهره ی مرد اعدامی به سمت داربست ها حمله کردند درست مانند لحظه ای که یک خواننده ی معروف پاپ به روی صحنه برای اجرا می رود و مردم همه سر و دست می شکنند تا او را از نزدیک ببینند و بتوانند عکسی از او بگیرند، آن جوان به مردم نگاهی گذرا کرد و دوباره به طناب دار خیره شد، مردم هم با اشتیاق به چهره ی وحشت زده ی جوان نگاه می کردند. صدای شیون و زاری پیرزنی از آن سمت داربست ها درست روبروی جایی که ما ایستاده بودیم می آمد اما به خاطر ازدحام جمعیت نمی توانستم او را درست ببینم و تصویر مشخصی از او در ذهن ندارم اما کاملا ضجه هایش را به یاد دارم. جوان تا متوجه حضور پیرزن در محل شد انگار که آدرنالین در بدنش ترشح شده باشد به ناگاه چهره اش سرخ شد و وقتی مسوولین اعدام خواستند طناب دار را دور گردنش بیاندازند جوان ممانعت کرد و درخواست کرد مادرش را ببیند. در آن لحظه جمعیت متوجه شدند آن پیرزن، مادر جوان اعدامی است که از غم اعدام پسرش به این حالت نزار افتاده است. ناگهان سکوتی جمعیت را گرفت و فقط صدای ضجه های مادر و درخواست پسر برای دیدن مادر به گوش می رسید. جوان اعدامی بلند بلند فریاد میکشید که میخواهد برای بار آخر مادرش را ببیند اما مسوولین اعدام به دلایل امنیتی خاص با این درخواست مخالفت کردند. وقتی جوان فهمید که درخواستش رد میشود

جوان اعدامی همینطور که فریاد میزد شروع کرد به تقلا کردن، طوریکه دو تا از محافظان اعدام را کنار زد و به سمت مادرش هجوم برد در همین هنگام همه ی محافظان روی سرش ریختند و او را گرفتند. مردم حاضر در صحنه وقتی این صحنه را دیدند شروع به سر و صدا کردن و هر کس حرفی میزد یا مزه ای میپراند. یکی میگفت:

_ولش کنید بذارید بره خونش!

یکی میگفت:

_خب مادرشو هم با خودش اعدام کنید.

و از این جور حرفها

اما جوانی حدودا ۲۵ ساله که پشت ما ایستاده بود و از لباسهای تنش میشد اینرا برداشت کرد که ورزشکار است با خنده فریاد زد:

_کاریت که ندارن فقط میخوان اعدامت کنن.

و همه ی حضار با این حرف مرد خندیدن و جوانک از اینکه همه به تیکه اش خندیدن خوشحال شد!

جوان اعدامی هم مدام تقلا میکرد و با یک تکان بدن همه ی محافظانش را کنار میزد اما باز دوباره محافظان به دورش میریختند و او را کنترل میکردند تا اینکه جوان اعدامی با یک حرکت، زنجیر دستبندش را پاره کرد و یک تنه پنج نفر محافظ را کتک زد. در این هنگام همه چیز به هم ریخت، سربازان کنترل نظم به سمت مردم هجوم آوردند و مردم از ترس فرار کردند در آن سمت هم جوان اعدامی تا میخواست به سمت مادرش برود همه ی مسوولین و محافظان به روی سرش ریختند و او را گرفتند و در آخر در بهت کامل جمعیت مراسم اعدام اجرا شد. من آخر هم نفهمیدم چرا میخواستند آن جوان را اعدام کنند و حتی نتوانستم اجرای حکم را هم تماشا کنم اما چیزی که از رفتار و گفتار مردم مشخصا فهمیدم این بود که برخی ازمردم جامعه ی ما بشدت دچار فقر فرهنگی هستند.

گریز رندانه ی شاعر از سطح پدیده ها

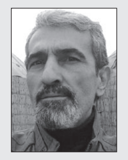

منصور خورشیدی - همیشه زبانی برای حرف ناگفته در دهان شاعر می ماند. چیز های که گفته نمی شوند دیده نمی شوند. اما صدای آن از این سو تا آن سوی هستی در گوش مخاطب شعر طنین می اندازد . صدای جهانی که زبان نگفتن دارد با معنای بسیار از دل تصویرهای نامریی و نادیده خیز بر می دارد تا اعلام حضور کند! در جهان اشیا و چیز ها سیستم نمادین وجود دارد که رابطه مستقیم باذهن شاعر و جهان پدیده ها دارد. معنای تمام ملکوت را در چشم ها می ریزد. گریز رندانه شاعر از سطح و افتادن در عمق متن نیازمند تصویر های ماورایی است، شاعر در این شرایط از سطح اشیا اسکله های تانی برای پرتاب ذهن می سازد!

ودر برخوردهای تند و صریح تصویری ناممکن از احجام ذهنی بر جای می گذارد، برای خلق موقعیت های تازه که ریشه در نامرئی دارد . این جا در تصادم اشیا کشف جادوی زبان در دهان شاعر اتفاق می شود و خلق حادثه می کند . شاعرانی که به اعماق کلام راه پیدا کردند ذهن خود را میان لایه های تو در توی شعر پراکنده می کنند تا معنای نهان آشکار شود . در کلمه هایی که شکار شاعر می شود تا با کشف آن جهان تازه ای به واقعیت اشیا در موقعیت های متفاوت اضافه شود . هستی انسان شاعر در گرو معرفتی است که فلسفه ی نگاه او را در بالاترین شکل ممکن نشان دهد تا در شعر او ظهور کند . واقعیتی که شاعران حرفه ای قادر به حلق موقعیت های جدید در عرصه ی کلام هستند. پرداختن به درون متن که روان شاعر در آن مستتر است ، بیان و درک احوال شاعر ، فراز و فرود های زندگی ، از ملاک های ظاهری شعرمحسوب می شود و در دل شعر راه باز می کند تا راز های خود را بی روایت و توصیف آن چه در اطراف او می گذرد بیان کند. هماهنگی و تناسب واژگان .

جستجوی شاعر را در رسیدن به معانی دلخواه سرعت می بخشد . خلق حادثه در شعر و هماهنگی بین جهان بیرون و درون و رسیدن به فضای سومی که در تکوین شعر نقش اساسی دارد . وقتی شعر از توسع کلمات و زبان ساخته می شود، شاعر نیز جستجو های خود را روی عوامل ناهمگون زبان تمرکز می بخشد تا به معرفت پارادوکس های متغیر برسد و جهت های همسو که به سمت وحدت سیر می کند ، ملاک تعین شاعر واقع شود . عوامل دیداری سمت مشاهده را با نگاه شاعر پیوند می زند تا شکل ساختاری عبارت ها با یکدیگر مالوف شوند ، انس و الفتی که در هم تنیده می شوند تا حجمی معادل فضا بسازند . آزاد و رها تا در تعلق تفکری نباشد .توصیف نشود و ارجاع ناپذیر باشد تا شاعر مغلوب شرایط نشود و رفتاری تازه به شعر ببخشد .

سرعت و حرکت در زبان شعر

کسب تجربه از زمان ، آن هم در زمان حال موجب تحول در خلق یک قطعه شعر می شود که زمینه تحول معنا را در ساختمان شعر ایجاد می کند. کار ذهن در خلق تصویر، کشف حرکت است و رسیدن به بُعد سوم حرف در تصویر و خلق موقعیت در یک حجم فضائی ، برای گریز از توقف و تحریک تفکر هنگام عبور از سطح و رسیدن به عمق تصویرهایی که در تصادم دو پدیده به وجود می آید تا شور کشف و دریافت را در شاعر و مخاطب شعر مضاعف کند . زبان شعر در یک ساخت هدفمند با فضای عاشقانه و اجتماعی که حس همجواری با طبیعت را در خود داشته باشد استقلال زبان را به سمت استحکام در بیان سوق می دهد. شعرهایی با فضای مصور و منسجم در مسیر زبان حرکت و سرعت خود را نشان می دهد و در آستانه ی آفرینش نوسان ذهنی در کار دیده نمی شود. و دارای استقلال زبانی هستند. دریافت مفاهیم انتزاعی در میان تصاویر عینی فضای فکری شاعر را با ابعاد دیگر عوامل دخیل در شعر پیوند می زند تا امکانات زبان در افق ذهنی او تلنگری برای بیداری در تحول زبانی گردد . در این مرحله مرز و مانع از متن برداشته ، و راه به سمت توسع زبانی باز می شود. آن چه شاعر را حول محور طبیعت بر انگیخته می کند تلاشی برای کسب رنگ، نور و صدای موجود در پیرامون او است. شاعر در این مرحله خطر کردن را تجربه می کند تا به درک واقعیت موجود جهت هماهنگی بین فرم و مضمون حاصل از آن گام بر دارد. شاعر در سیر منطقی و پیوسته ی این حرکت و در گذر از تخیل و احساس نفس تازه می کند تا از اصل خود و از علت غائی دور نماند و برای رسیدن به:تمام خواسته های ذهنی، تا تفکر خود را برای کسب زیبایی، حقیقت، عشق در طبیعت سرعت و حرکت ببخشد. تجلی شعر در سرشت شاعر است . و در کلام او جاری می شود و در عبور از عوامل ساختاری و سازنده ی شعر با تامل وارد مرحله جدیدتری از بیان می شود که به یک قطعه شعر جان می بخشد.

شعر

شعری از خسرو بنایی

نترسیلم
خانه از آسمان گچی اش تهی شود
ناگهان
دانستی پیش از آنکه عاطفه عصرگاهی مان
در حلقه ای سه نفره
مفقود شدنش را با حدس زلزله ای سرگرم
کند
تو بودی
راوی مونث گونه های استخوانی
وسط معرکه
یک بی تفاوتی از من و خاطره مردگان موفق
که دسته جمعی هوار می کشیدند
بر آینده ای
که روی حرف های هر روزه ی ما سپری
می شد
نه نمی شود به ارتعاش ترس در هنگام وقوع
بوسه های اجباری
گفت : جزیره های خصوصی مان در بنادر
آپارتمانی فرومیرود
وندانستن
چقدر خوب و
گمراهی گاهی چقدر منصفانه است
وقتی تو نیستی و
بوسه روی استخوان پوک می شود
و
روز درون چای عصرانه
گس می ماند برای همیشه .

شعری از افسانه پورقلی

در مدار سکوت می چرخی
شمع هایی در نبض ات
هندسه ی اخرین آواز گلوی ات را
ترسیم می کنند
تجربه سفید چشمانت
از عبور لبه های تیز
به شکل عزیز خاک می اندیشند
به خلسه گی کدام خواب
به گرمی نفسهای کدام جاده
به شکل هذیان کدام سقوط
دست می بری به اندوه کلمات ؟
این دهان دیرگاهی است
از وحشت شبانه بیداری
سراغ هیچ عابری را نمی گیرد

شعری از رها کوهستانی

سرخ وخاکستری هی مهیاند و هم..
رخسار کبودِ حیات
تنگ، مَرا مسخِ خواب می کند..
هنوز لرزه نگارَان
چشم عمق را نگشوده اند..
من
آواره ی افکار به تیر بسته شده
به سرفرازی قَله ی تو چشم دوخته
و ابرِ غبار آلودی می شوم
که حجم حیرانیِ هستی را خواهد بارید..
دیر نمی پاید
که رقیقاین مه و تابش مهر تو
کلافِ رنگین بر سرکبودی ها می بندد.
گره خورده در قریبَ ترین پرتو توام
پاشانده به غریب ترین فاصله یَ گیتی..

شعری از مهتاب تقی گیل

کسی که می پرستمش
شاید
منفورترین آدم زندگی تو باشد
و لحظه ای که در ان خوشحالم
لحظه ی ناراحتی تو
آسمان
تنها برای تو آسمان است
و باران
پیراهنی تنگ و عذاب آور بر تنت
امروز،چشم هایم
در انتظار باد مانده
و هر انگشتم
شاخه ای جدا شده از درخت
کوله ام را باز می کنم
پرنده
گوشه ای از آسمان را می گیرد
ماهی
گوشه ای از دریا
رودخانه را پهن کرده
ابر ها را
روی خودم تنظیم می کنم
و پاهایم را
چون هندوانه ای به آب می اندازم
باران بوی خاک را بلند می کند
و من پُر می شوم
ازبوی خاکی
که تو را به سرفه انداخته است.